

صبر و بردباری

شکست نمی خورند و عده‌ای نیروی صبر و استقامت در آنان بقدری ضعیف است که به آسانی تن به شکست داده و در نتیجه از رسیدن به هدف باز می مانند، اینگونه افراد با شنیدن سخنی که انتظار آن را ندارند، زبان به فحش و ناسزا می گشایند و چه بسا کار به زدن و احیاناً به کشتن طرف مقابل، منتهی می گردد، ولی کسی که روحش نیرومند است به راحتی می تواند هر حادثه ناگواری را تحمل نموده و با صبر و استقامت بر مشکلات پیروز گردد، پس صبر صرف نظر از جنبه مذهبی، خود بعنوان صفت کمالی در انسان شمرده می شود.

انواع صبر:

در روایات، صبر دارای اقسامی است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ...»^۱ صبر سه گونه است: صبر بر مصیبت، صبر بر اطاعت و پیروی از دستورات اسلامی و صبر از گناه و نافرمانی خداوند.

نوع اول صبر این است که انسان در برابر مصیبتها خویشتن دار و مقاوم باشد بطوری که ناگواریها و حوادث نتوانند او را از پای در آورند، البته مصیبتها و حوادث با هم فرق می کنند مثلاً گاهی انسان سلامتی خود را از دست می دهد و یا یکی از عزیزانش بیمار می گردد و گاه اموالش در معرض خطر قرار گرفته و فکر او را مشغول می سازد ولی انسان صبور، در هر حال در برخورد با این حوادث مقاوم باقی می ماند.

«بَا بُنَى أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۱

فرزندم! نماز را برپا دار و به معروف و کار نیک دستور ده و مردم را از منکر و کار زشت بازدار و بر مشکلاتی که در این راه به تومی رسد، شکیب باش که این از کارهای مهم و اساسی است.

در دو شماره گذشته راجع به سفارش لقمان به نماز و امر به معروف و نهی از منکر، مطالبی بیان شد و در این قسمت درباره توصیه دیگر لقمان که در این آیه شریفه آمده است بحث می کنیم:

«وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

لقمان در این بخش از آیه فرزند خویش را به یکی از صفات برجسته اخلاقی به نام «صبر» توصیه می نماید. صبری که از بهترین ملکات فاضله انسان است که با داشتن آن، می توان به بسیاری از هدفهای خویش دست یافت، زیرا صبر به آدمی در برخورد با حوادث و مشکلات، آنچنان نیرو و توان و مقاومت می بخشد که در برابر آنها هرگز شکست نمی خورد.

بهترین مثال برای روشن ساختن این حقیقت این است که: انسان‌ها از جهت جسمی در شرایط مختلفی قرار دارند: بعضی دارای بدنی سالم و قوی هستند و بعضی ضعیف و ناتوانند. افراد نیرومند در برابر امراض و بیماری‌ها از استقامت بیشتری برخوردارند ولی افراد ضعیف، همیشه آسیب پذیرند، مردم از نظر روحی نیز در وضعیتهای متفاوتی قرار دارند: برخی دارای روحی صبور و مقاومند بطوری که در برخورد با مشکلات و حوادث،

بی گمان صبر در مقابل مصیبت راحت تر و آسان تر از صبر بر اطاعت و صبر از معصیت است، چه اینکه حوادث و مصائب همیشه وجود ندارند، و گاه گاه در زندگی پیدا می شوند ولی صبر بر انجام وظایف اسلامی که پیوسته انسان با آن مواجه است، مشکل تر می باشد. وظیفه انسان است که هر روز قبل از طلوع آفتاب، رختخواب گرم و خواب راحت را رها کرده و با انجام وضو و یا غسل آماده نماز شود. و همچنین وظیفه او است که هر وقت اسلام و یا سرزمینهای اسلامی مورد تهدید و تهاجم دشمن واقع شد، با مال و جان مهتای دفاع از اسلام و کشور اسلامی گردد. انسان وظیفه دارد که مالیاتهای اسلامی و نفقه و مخارج افراد تحت تکفل خویش را با کار و تلاش فراهم سازد. و دیگر واجبات الهی را بعنوان وظیفه اسلامی انجام دهد، و روشن است که انجام این تکالیف، صبر و استقامت لازم دارد.

به هر حال انجام هر واجبی، یک نحو کمالی در روح انسان بوجود می آورد و فروغی در سرای دل او می افروزد، و انسان با انجام تکالیف الهی، بتدریج مراحل و مدارج کمال را پیموده و پله پله بالا می رود تا به کمال انسانی نائل آید و در زمین خداوند صلاحیت خلیفه الهی و جانشینی «الله» را پیدا نماید.

صبر بر ترک محرمات

قسم سوم صبر، صبر بر ترک محرمات است، یعنی حرامهایی که برایش پیش می آید، در برابر وسوسه نفس و شیطان، صبر و مقاومت از خویش نشان داده و خود را آلوده به انجام آن ننماید. چه بسا انسانهایی هستند که از صبر بر اطاعت برخوردارند، و در انجام عبادات و تکالیف واجب از خویش، مراقبت نشان می دهند ولی در مقابل گناهی که پیش می آید به سادگی تسلیم آن شده و هوای نفس بر آنها غالب می گردد. در این رابطه بی مناسبت نیست حدیثی را هم در اینجا یادآور شوم:

از جمله مطالبی که خداوند متعال به داود علیه السلام وحی فرمود این بود: «كَمْ مِنْ رَجُلَةٍ ظَوِيْلَةٌ فِيهَا بُكَاءٌ بِخَشِيَةٍ قَدْ صَلَّاهَا صَاجِبًا لَا تُسَاوِي عِنْدِي فِتْيَلًا، جِئِن نَفَرْتِ فِي قَلْبِي فَوَجَدْتَنِي اِنْ سَلِمَ مِنَ الصَّلَاةِ وَتَرَرْتِ لِي اَفْرَاةً وَعَرَضْتِ عَلَيَّ نَفْسَهَا اَجَابَهَا وَاِنْ غَامَلَتْ

مؤمن حائنه» ۲.

چه بسا انسانی که یک رکعت نماز با حالت گریه و خشوع بجای می آورد ولی آن نماز به اندازه رشته هست خرمائی نزد من ارزش ندارد، زیرا که در قلب او چنین می بینم که اگر پس از سلام نماز زنی در پیش او ظاهر شده و خود را به وی عرضه دارد، می پذیرد و چنانچه با مؤمنی وارد معامله گردد، به او خیانت می ورزد.

انسانی که اینطور در برابر شیطان تسلیم می شود، روح صبر ندارد و لذا عملش بی ارزش است. امید است انشاء الله جوانان ما این روایت را در صفحه پاک قلبشان بنویسند و به خاطر خویش بسپارند. اگر جوان در مقابل گناه، صبر و مقاومت از خود نشان داده و آلوده به گناه نگردد، از بالا ترین مقام صبر برخوردار است زیرا انسان صبور که در برابر حوادث و ناملازمات دنیا صبر می کند، یک درجه در انسانیت، ارتقا یافته است ولی اگر برانجام واجبات از خود صبر نشان دهد از درجه دوم هم بالا رفته است و اگر در برخورد با گناه، صبور و خویشتن دار باشد، در آنصورت انسان کاملی شده است.

صبر، بالاترین صفت است

از ابنسیر و لقمان به فرزندش توصیه می نماید که صبر را پیشه خویش سازد، و در برخورد با واجبات، محرمات و حوادث، پیوسته بردبار و صبور باشد. پس این مهمترین مطلبی است که لقمان به فرزندش سفارش می نماید.

علمای اخلاق می گویند: در میان اوصاف شایسته و نیکوی انسان صفت صبر از مهمترین آنها است. آری! این صفت از سخاوت، شجاعت، عدالت و... بالاتر است، زیرا تمام این صفات شعبه هائی از صبر می باشند. انسانی که بر خویش مسلط است می تواند از مال خود گذشته و آن را در راه خداوند انفاق نماید، انسان در برابر گناه اگر صبور باشد و در انجام عبادات شکیبائی نشان دهد، عادل می شود و شخصی که بر مشکلات صحنه نبرد، صابر باشد و آنها را ناچیز انگارد، انسان شجاعی خواهد بود.

در آیات و روایات راجع به صبر مطالب بسیاری بیان شده

است. در سوره «بقره» می فرماید: «بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اشْتَعِبُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۱ ای اهل ایمان (در برابر حوادث سخت زندگی) از صبر و استقامت و نماز کمک بگیرید و همانا خداوند با بردباران و صابران است. در این آیه شریفه دو عامل مؤثر برای رسیدن به هدف بیان شده است: یکی پایداری و صبر و دیگری نماز که ارتباط با خدا است.

ما هرکاری را که انجام می دهیم اراده و حرکت از ما است و توفیق از خداوند است، اگر زارعی کشت و زرع می نماید و یک خروار گندم در زمین می افشاند و پس از گذشت شش ماه، ده خروار گندم درو می کند، شخم زدن و آبیاری و بذرافشانی و سرانجام درو کردن از او است ولی نیروی بارور ساختن و رشد به زمین دادن، تابش آفتاب، بارش باران، هوای مناسب و بسیاری دیگر از علل و عوامل رویش و رشد آن، همه از کارهای خدا است تا در نتیجه از یک دانه گندم، دانه ها و از یک خروار خروارها تولید می شود: «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الذَّارِعُونَ»^۲ آیا دیدید تخمی را که در زمین کشتید؟ آیا شما آن تخم را رویانیدید یا ما رویانده آنیم؟

مژده به صابران

در هر صورت، انسان صبور، انسانی است که هر حادثه‌ای که به او میرسد، شکیبائی خویش را حفظ می نماید و می گوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۳ من از آن تو هستم و این حوادث از سوی تو است و «هر چه از دوست می رسد نیکو است»^۴ گر تیغ بارد از سوی آن ماه گردن نهادیم الحکم لله انسان وقتی بداند، هر حادثه‌ای که به او می رسد، از جانب خداوند است، صبور باقی میماند، اگر گناهی داشته باشد، سبب کفاره گناهانش خواهد بود و چنانچه گناهی نداشته باشد درجه‌ای بر درجاتش افزوده خواهد شد. خداوند متعال به کسانی که دارای صبر و مقاومت اند می فرماید: «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»^۵ مژده بده به صابران.

صابرین چه کسانی هستند؟ «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۶ آنهایی که چون حادثه‌ای ناگوار بر آنها برسد (صبوری پیش گرفته) و میگویند ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز

می گردیم.

داستان حضرت ایوب

یکی از پیامبرانی که به دارا بودن صفت صبر، معروف است، حضرت ایوب (ع) می باشد. حضرت ایوب دارای مال و فرزندان زیاد بود که خداوند تمام آنها را از او گرفت و حتی سلامتی را نیز از وی سلب نمود بگونه‌ای که دیگر مردم از او بتنگ آمده و او را از محل سکونتش بیرون نمودند. ایوب به همراه همسرش از آنجا به محل دیگری منتقل شد. روزی همسر ایوب به وی گفت: تو پیامبر مستجاب الدعوه‌ای، راز و نیازهای شبانه داری، از خدا بخواه که این گرفتاری را از ما برطرف سازد. حضرت ایوب در پاسخ، جمله‌ای گفت که از روح بزرگ او حکایت می کند. پرسید: چند سال بود که ما با آسایش و راحتی و رفاه زندگی می کردیم؟ هفتاد سال.

چند سال است که به این مشکلات دچار شده ایم؟

سه چهار سال!

بگفتار به همان مقدار که در راحتی و سلامتی بسر برده ایم، در این حالت بسر بریم و سپس دعا خواهم کرد، تا آن نعمتهای خویش را مجدداً به ما باز گرداند.

این مقام، مقام صبر است و این عنایت الهی است که انسان در برابر حوادث، بتواند صبور باقی بماند. انسانی که در برابر مشکلات شروع به جزع و فرج نموده و خویشش داری را از دست می دهد، انسانی بالغ نیست و گرچه هفتاد سال بر عمر او گذشته باشد، هنوز کودکی هفتاد ساله است که از نیروی مقاومت و صبر برخوردار نمی باشد. «إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۷

لقمان پس از توصیه صبر به فرزندش، می گوید: صبر از امور مهم در زندگی است. چه اینکه انسان اگر دارای صفت صبر باشد، به مقام بلند انسانیت نائل گردیده است.

«وَلَا تُضَعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْسِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»^۸

(پسر من!) با بی اعتنائی و تکبر از مردم روی مگردان و مغرورانه

در زمین راه نرو که خداوند هیچ تکبر مغروری را دوست ندارد.

تکبر چیست؟

«تکبر» از نظر فرهنگ عرب از ماده «کبر» گرفته شده که به معنی خود بزرگ بینی است، و یکی از امراض و بیماریهای اخلاقی به شمار می رود. صفت «کبر» هنگامی که در عمل انسان بروز و ظهور نماید، به آن تکبر گفته می شود.

در روایت وارد شده است: نخستین گناهی که در عالم بالا انجام گرفت تکبر بود، و اولین گناهی که در زمین از انسان ظاهر شد، حسد ورزی است. قرآن کریم می فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ»^۱ هنگامی که به فرشتگان دستور دادیم که برای آدم سجده نمایند، همه سجده کردند جز شیطان که سر پیچی نموده و تکبر ورزید و از گروه کافران گردید.

البته چنانچه در روایت است تمام انواع تکبرها، کفرآور نیست، بلکه بعضی از آنها موجب فسق است و بعضی سبب کفر. کفر عبارت از این است که در عقیده انسان خلل و انحرافی

نسبت به ضروریات دین پیش آید، ولی فسق ارتباطی با عقیده ندارد، بلکه به عمل انسان مربوط می شود، مانند کسی که به حرمت شراب و وجوب نماز معتقد است ولی شراب می نوشد و یا نماز نمی خواند، اما انکار رسالت و یا معاد مثلاً موجب کفر است.

در هر صورت تکبر همانگونه که علمای اخلاق گفته اند، یکی از رذائل اخلاقی است و انسان مؤمن نباید به چنین صفت زشت و ناروایی آلوده باشد و بهمین دلیل قرآن کریم توصیه لقمان را در مورد اجتناب و دوری از این صفت رذیله بعنوان یکی از فرازهای سخنان حکمت آمیز وی، در سوره «لقمان» یاد نموده است.

ادامه دارد

۱- سوره لقمان- آیه ۱۷

۲- اصول کافی - جلد ۳- ص ۱۴۵

۳- عده الداهی - ص ۲۳

۴- سوره بقره- آیه ۱۵۳

۵- سوره واقعه- آیات ۶۴-۶۳

۶- سوره بقره- آیات ۱۵۶-۱۵۵

۷- سوره لقمان- آیه ۱۸

۸- سوره بقره- آیه ۳۴

پیامبر اکرم (ص)
«مَنْ تَرَكَ مَعْصِيَةَ اللَّهِ مَخَافَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَرْضَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»
رسال جامع علوم اسلامی و مطالعات فقهی

(اصول کافی - ج ۲ ص ۸۱)

کسی که معصیت خداوند تبارک و تعالی را از خوف او ترک گوید، خداوند او را (با نعمتهای بیکران خویش) در قیامت راضی و خوشنود می سازد.